خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۴ . ۲ ربیع الاول ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۴۱

تکمیل قانون «کپی رایت»، اولویت وزارت ارشاد است

سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موضوع کپی رایت را مهم عنوان کرد و گفت: در گام اول، اصلاح، تکمیل و توسعه قانون مربوط به حوزه کپی رایت در داخل کشور از اولویت های این وزارتخانه است. حسین نوش آبادی در گفت و گو با ایرنا گفت: در بدو امر بنا داریم قوانین داخلی خود را در حوزه کپی رایت و حق مالکیت هنری و حقوق مرتبط کامل کنیم.

«مسئولیت شرعی» پزشک در قبال بیمار

اسفندیاری طبسی
info@khorasannews.com

حفظ جان مسلمان بر هر مسلمانی که توان حفظ آن را داشته باشد واجب است، بنابراین مداوای بیمار در هر شرایطی بر پزشک و بیمارستان ها و مراکز درمانی واجب است و آن ها نمی توانند از پذیرش بیمار و مداوای او خودداری کنند مگر این که مداوا از عهده آن ها خارج باشد یا این که امکان دسترسی به پزشک یا مراکز درمانی دیگر وجود داشته باشد؛ البته در صورتی که جان بیمار در خطر نباشد و یا تاخیر در مداوا باعث تشدید بیماری اش نشود. اهمیت مقولات سلامت و درمان، موجب شده است تا تعامل پزشکان و بیماران به یکی از پردامنه ترین عرصه های تعاملات اجتماعی تبدیل شود و مسائل و دعاوی حقوقی بسیاری در بر داشته باشد.

■ رابطه حقوقی پزشک و بیمار

چنانچه بیمار با مراجعه به پزشک، بهبودی حاصل کند، جای بحث و بررسی نیست. چون مشکلی در میان نیست که بخواهیم با مراجعه به فقه و حقوق راه حل آن را بیابیم. مشکل زمانی به وجود می آید که بیمار با مراجعه به پزشک نه تنها بهبودی حاصل نمی کند بلکه بیماری اش تشدید می شود یا مداوا، موجب نقص عضو و مانند آن می شود، در این شرایط، می توان رابطه حقوقی پزشک و بیمار را چند گونه تصور کرد:

صورت اول: پزشک بدون اخذ برائت از بیمار، تمام جد و جهد خود را در مداوای او به کار می برد و هیچ گونه قصور و یا تقصیری در امر مداوا ندارد، در عین حال بیمار مداوا نمی شود و حتی بخشی از سلامتی خود را از دست می دهد.

صورت دوم: پزشک پیش از مداوا، رضایت بیمار را کسب و بیمار فرم برائت ذمه پزشک را امضا کند. پزشک در چنین شرایطی تمام تلاش خود را برای معالجه به کار می بندد اما بیمار بهبود نمی یابد و در نتیجه، بخشی از سلامتی یا جان خود را از دست می دهد.

صورت سوم: پزشک بدون اخذ برائت ذمه از بیمار، با سهل انگاری و بی دقتی، باعث تشدید بیماری یا نقص عضو یا مرگ وی می شود.

صورت چهارم: پزشک با اخذ برائت از مسئولیت های احتمالی معالجه، اقدام به مداوای بیمار می کند و با کم دقتی موجب تشدید بیماری یا نقص عضو و یا مرگ بیمار می شود.

■ طبابت بدون اخذ برائت

در صورت اول، مسئولیتی متوجه پزشک نیست و دیه نقص عضو یا هزینه بیمار بر عهده او نمی باشد. زیرا پزشک اولا، توانایی و تخصص داشته و ثانیا، تمام تلاش خود را در معالجه به کار برده است و ثالثا، از نظر فقه و حقوق، مسئولیت طبابت، منوط به نتیجه بخش بودن مداوا نیست و چنین نیست که بگوییم پزشک در صورت مداوا نشدن بیمار، مسئولیت هزینه ها و معالجات بیمار را بر عهده دارد. حضرت آیت ا... خامنه ای در پاسخ به استفتایی، دریافت حق طبابت از بیماری که بهبود نیافته است را مجاز دانسته و چنین فتوا داده اند: «سوال: اگر پزشک در طبابت خود کمال دقت و تلاش را برای بهبودی بیمار انجام دهد ولی بهبودی برای وی حاصل نشود، آیا پزشک نسبت به حق ویزیت مدیون است یا نه؟ جواب: در فرض سوال مدیون نیست.»

در عین حال از فتوای آیت ا... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی چنین استنباط می شود که اگر پزشک رضایت نامه از بیمار نگرفته باشد، ضامن است هر چند در طبابت قصور نداشته باشد. ایشان در پاسخ به این سوال که اگر به سبب تشخیص نادرست طبیب حاذق آسیبی به بیمار وارد شود، آیا باید دیه پرداخت شود، فتوا داده اند: «ضامن است، مگر این که قبلا به طور خصوصی یا به طور عام نسبت به خسارت ها اعلام برائت کرده باشد.» البته این ضمانت در صورتی است که مداوای بیمار فوریت نداشته باشد؛ زیرا در این صورت اذن عام وجود دارد. این مرجع تقلید در پاسخ به این سوال که با توجه به این که ممکن است جان بیمار به طور اورژانسی (فوری) در خطر باشد، و زمانی جهت تعیین حساسیت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد، چنانچه با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده، و دچار عوارض شدید و یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض مسئولیتی خواهد داشت، اظهار داشته اند: «باید از بیمار یا ولیّ او اجازه بگیرد و اگر دسترسی به آن ها نیست، ما به عنوان حاکم شرع در این گونه موارد ضروری به اطبا اجازه می دهیم و ضامن نیستند. (به شرط این که به مقدار کافی دقت کنند)» ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی هم مداوای بدون رضایت نامه را در صورت فوریت، موجب ضمان ندانسته است: «در موارد ضروری که تحصیل برائت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.»

■ مداوا همراه با اخذ برائت

در صورت دوم که پزشک مأذون است، بدون شک مسئولیتی در قبال بهبود نیافتن و یا نقص عضو حتی مرگ بیمار ندارد و هیچ گونه دیه و یا هزینه ای بر عهده وی نیست؛ زیرا معالجه با رضایت بیمار و برائت ذمه پزشک انجام شده و پزشک هم در مداوا و طبابت، هیچ گونه بی دقتی و سهل انگاری نکرده است.

■ مداوا همراه با سهل انگاری

در صورت سوم، قطعا پزشک در قبال تشدید بیماری و یا نقص عضو و یا مرگ بیمار مسئولیت کامل دارد و باید دیه و یا هزینه های وی را بپردازد؛ زیرا نه از بیمار رضایت نامه گرفته و نه وظیفه پزشکی خود را به درستی انجام داده است.

حضرت آیت ا... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی در این باره چنین فتوا داده اند: «سوال: چنانچه پزشک معالج، عمدا یا سهوا در مداوای بیمار یا مجروحی که مسئولیت درمان وی را پذیرفته کوتاهی ورزد و شخص در اثر سرایت بیماری، یا جراحت سابق، صدمه دیده و یا تلف شود، آیا طبیب مسئولیت خواهد داشت؟ جواب: در صورتی که بیمار در شرایط خطرناکی باشد و اولیای مریض او را به طبیب بسپارند که از او مراقبت کند، و طرفین یا به خصوص طبیب بداند که اگر از بیمار غفلت کند، خطری بیمار را تهدید می کند، چنانچه طبیب این مسئولیت را پذیرفته باشد، و از انجام وظیفه تخلّف نماید، در برابر نتیجه آن مسئول است. و اگر عمداً او به قصد زیان رساندن به مریض این کار را کرده باشد، قتل عمد، یا جرح عمد محسوب می شود، در غیر این صورت، شبه عمد است.»

■ سهل انگاری در معالجه همراه با اخذ برائت

در صورت چهارم، پزشک مسئولیت دارد هر چند از بیمار رضایت نامه گرفته و ذمه خود را بری کرده باشد؛ زیرا رضایت نامه معطوف به موردی است که پزشک تلاش خود را در مداوا به کار گرفته باشد و چون در این فرض، پزشک سهل انگاری کرده، ضامن است. با این حال، تشخیص سهل انگاری کردن یا نکردن پزشک امری است که باید توسط سازمان نظام پزشکی و یا دادگاه مشخص شود. حضرت آیت ا... مکارم در پاسخ به استفتایی، به ضمانت پزشک به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه، فتوا داده اند: «سؤال: لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید: ۱- اگر به سبب تشخیص نادرست طبیب حاذق آسیبی به بیمار وارد شود، آیا باید دیه پرداخت شود؟ دیه بر عهده کیست؟ ۲- چنانچه در تشخیص سهل انگاری نموده باشد، حکم چگونه است؟ جواب: در صورت اوّل ضامن است، مگر اینکه قبلاً به طور خصوصی یا به طور عام نسبت به خسارت ها اعلام برائت کرده باشد. و در صورت دوم، طبیب به هر حال ضامن است، چون کوتاهی کرده است.»

■ قانون مجازات اسلامی و مسئولیت پزشکان

مهم ترین ماده مربوط به مسئولیت پزشک در قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۹۵ است که اصل را بر ضمانت پزشک گذاشته و به شرایط ضامن نبودن پزشک اشاره و چارچوب حقوقی رابطه بیمار و پزشک را این گونه مشخص کرده است: «ماده ۴۹۵- هر گاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه أخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می شود.»

■ اجتناب پزشک از مداوا

یکی از مواردی که ممکن است در طبابت پیش آید آن است که اگر پزشکی به دلیل فقر بیمار از پذیرش و مداوای وی اجتناب کند، حکم او چیست؟ پاسخ آیت ا... مکارم شیرازی آن است که چنین پزشکی گناه کرده است اما ضامن تشدید بیماری در اثر مداوا نکردن بیمار نیست. ایشان در پاسخ به استفتایی چنین فتوا داده اند: «سؤال: لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید: ۱- پزشکی به علت فقر مالی بیمار اورژانسی، که قادر به پرداخت هزینه های مربوطه نبوده، از معالجه و جراحی وی اجتناب نموده، و در نتیجه بیمار فوت کرده است. یا عمل جراحی را به روزهای دیگر موکول نموده، که به اندازه آن روز نمی تواند مفید باشد، آیا پزشک ضامن است؟ ۲- اغلب بیمارستان ها اول پول می گیرند، سپس بیمار را به پزشک ارجاع می دهند. در صورتی که تأخیر در این امر منجر به مرگ یا عوارض دیگر شود، آیا این کار جایز است؟ جواب: در فرض سؤال پزشک ضامن خون نیست، ولی گناه بزرگی مرتکب شده و قابل تعقیب است.»

البته در این گونه موارد، مسئولیت نه فقط بر عهده پزشک بلکه بر عهده مراکز درمانی نیز هست و نهادهای ناظر باید به تخلفات این گونه مراکز رسیدگی کنند.

عکس تزئینی است

گزارش حقوقی

هشدار رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک

مردم از خریدهای «قولنامه ای» خودداری کنند

معاون قوه قضاییه و رئیس سازمان ثبت اسناد کشور اخیرا با اشاره به قانون تعیین تکلیف اراضی و املاک فاقد سند رسمی، گفت: یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سیستم های الکترونیکی ثبت نام کرده اند. به گزارش ایسنا، تویسرکانی در جمع خبرنگاران با بیان این که طبق این قانون، متعاقب رسیدگی های اداره قضایی، سند مالکیت صادر می شود، اظهار کرد: رسیدگی ها در کمیسیونی متشکل از نماینده دادگستری، نمایندگان دولت از مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و ثبت اسناد انجام می شود. خوشبختانه به ۶۰۰ هزار تقاضا رسیدگی و اسناد مالکیت صادر شده است که امیدواریم با سرعت بیشتری به نتیجه برسد و به همه یک میلیون تقاضای ثبت شده، رسیدگی شود.

■ صدور ۱۲ میلیون سند مالکیت به صورت الکترونیک

وی درباره صدور اسناد به صورت الکترونیک تصریح کرد: یکی از اقداماتی که سازمان به طور جدی دنبال آن است، تبدیل سیستم های سنتی است که در گذشته دارای ایراداتی از جمله عدم دقت و اختلافات و تعارضاتی در صدور اسناد بود، به طوری که در حوزه صدور اسناد مالکیت خوشبختانه ظرف مدتی که اقدام شده، ۱۲ میلیون سند مالکیت ملک به نحو جدید صادر شده است. تویسرکانی خاطرنشان کرد: در این سیستم عقبه و پیشینه این اسناد به روزرسانی شده و به شکل الکترونیک در بانک ها جانمایی شده است و همه اسناد دارای کروکی و نقشه ملک هستند.

■ زمین خواری، ناشی از ابهام در حدود مالکیت ها و خلأهای قانونی

معاون قوه قضاییه با بیان این که پدیده زمین خواری، ناشی از ابهام در حدود مالکیت ها و خلأهای قانونی در این زمینه است، اظهار کرد: بخش عمده ای از زمین خواری ها ناشی از عدم شناسایی اموال دولتی توسط دادگاه ها و دستگاه های مربوطه و برخی ناشی از این است که اسناد مالکیت دولت در بخش هایی صادر نشده است.

■ مردم از خریدهای غیر رسمی خودداری کنند

وی ضمن این که به مردم توصیه کرد معاملات و خرید املاک را به صورت رسمی انجام دهند، خاطرنشان کرد: بسیاری از دعاوی، مشکلات و پرونده های ورودی به دادگستری ها ناشی از نزاع در معاملات عادی است بنابراین مردم از خریدهای قولنامه ای و غیر رسمی خودداری کنند.

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه حقوقی روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: چند برادر و خواهریم. یکی از برادران در منزل مرحوم پدرم ساکن است. می خواهیم برای انحصار وراثت اقدام کنیم ولی او مانع می شود و می گوید تا من در خانه ساکن هستم نمی توانید کاری انجام دهید. راهکار قانونی احقاق حق چیست؟

پاسخ: ابتدا باید گواهی انحصار وراثت را از شورای حل اختلاف دریافت کنید. سپس، به صورت همزمان نسبت به تقدیم درخواست «فروش مال مشاع» و دادخواست «خلع ید» (یعنی رفع تصرف برادرتان از ملک) و «الزام به پرداخت اجرت المثل ایام تصرف» (اجاره بهای مدتی که برادرتان خانه را در اختیار داشته است) به دادگاه اقدام کنید. هریک از وارثان می تواند به شورای حل اختلاف محل «آخرین اقامتگاه متوفی» مراجعه و درخواست صدور گواهی انحصار وراثت کند. برای اخذ گواهی انحصار وراثت باید اسامی وارثان در فرم مخصوص درج و همراه سایر مدارک از جمله، گواهی فوت متوفی، تصویر شناسنامه و کارت ملی ورثه، استشهادیه شهود (که گواهی کنند ورثه متوفی منحصر به اسامی مندرج در فرم است) و گواهی تسلیم اظهارنامه مالیات برارث به شورا، ارائه شود. در مورد استشهادیه ضروری است امضای شهود در یکی از دفاتر اسناد رسمی گواهی شود. برای دریافت گواهی تسلیم اظهارنامه مالیات برارث باید فهرست کلیه اموال و دارایی های متوفی به اداره دارایی منطقه محل سکونت متوفی ارائه شود. شورا پس از بررسی اسناد و مدارک، دستور چاپ یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه های کشور را صادر می کند تا ظرف یک ماه اگر فردی اعتراض یا ادعایی درباره درخواست شما یا اموال متوفی داشته باشد، به شورا مراجعه کند. پس از این مدت گواهی انحصار وراثت صادر می شود. در گواهی انحصار وراثت، اسامی وارثان، نسبت هریک با متوفی و سهم الارث هر کدام یعنی نسبتی که از ماترک ارث می برد (مثلا یک چهارم یا دوسوم) قید می شود. با ارائه گواهی انحصار وراثت هریک از ورثه می تواند از دادگاه عمومی حقوقی درخواست کند، اموال و دارایی باقی مانده از متوفی را به نسبت تعیین شده در گواهی انحصار وراثت بین وارثان تقسیم کند. در مورد اموالی که مستقیما قابل تقسیم نیستند مثل املاکی که به دلیل مغایرت با مقررات شهری قابل تقسیم به قطعات کوچک تر نیستند، دادگاه دستور فروش ملک از طریق مزایده را صادر می کند. از سوی دیگر، هریک از ورثه می تواند با مراجعه به اداره ثبت اسناد و ارائه گواهی انحصار وراثت درخواست کند برای وی سند مالکیت مشاعی به نسبت قدر السهم صادر شود. سپس، به عنوان مالک مشاع از دادگاه درخواست کند ملک را از طریق مزایده به فروش برساند و بهای آن را تقسیم کند. ماده یک قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷ مقرر می کند: «افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته اعم از این که در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد، در صورتی که مورد تقاضای یک یا چند شریک باشد با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است.» افراز ملک به این معناست که ملک به قطعاتی که از نظر ارزش برابر ند به تعداد شرکا تقسیم و برای هر قطعه سند مالکیت جداگانه ای به نام هریک از شرکا تنظیم شود. بنابراین، ابتدا درخواست افراز ملک را به اداره ثبت محل وقوع ملک ارائه کنید. اداره ثبت پس از بررسی سوابق ثبتی و استعلام از شهرداری، در صورتی که ملک را قابل افراز تشخیص دهد، مراتب را به طرفین اعلام می کند. اگر هیچ یک از طرفین ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، به این تصمیم در دادگاه اعتراض نکنند، اداره ثبت رأساً ملک را افراز می کند. اگر ملک عملا (مثلاً به دلیل شکل خاص ملک) یا از نظر مقررات (مثلاً حداقل متراژ واحد در منطقه مربوطه) غیر قابل افراز باشد، اداره ثبت، گواهی عدم امکان افراز صادر می کند. در این صورت، شما می توانید با ارائه گواهی مذکور و سند مالکیت مشاع خود از دادگاه درخواست کنید دستور فروش ملک مشاع را صادر کند. ماده ۴ قانون افراز و فروش املاک مشاع بیان می کند: «ملکی که به موجب تصمیم قطعی، غیر قابل افراز تشخیص شود با تقاضای هریک از شرکا به دستور دادگاه شهرستان فروخته می شود.» به این ترتیب، ملک مشاع در نهایت وفق مقررات قانون اجرای احکام مدنی توسط اجرای احکام دادگستری و با برگزاری مزایده به فروش می رسد و بهای دریافتی بین شرکا به نسبت سهم آن ها تقسیم خواهد شد. از آنجا که هیچ یک از شرکای مال مشاع حق ندارد بدون توافق شرکای دیگر در مال مشاع تصرفی کند، علاوه بر این اقدامات، هریک از ورثه می تواند، دادخواست «خلع ید» و «الزام به پرداخت اجرت المثل ایام تصرف» را علیه متصرف (برادرتان) به استناد مواد ۵۸۱ و ۵۸۲ قانون مدنی در دادگاه حقوقی مطرح کند. یعنی، اولاً، ملک از تصرف وی خارج شود و ثانیاً، اجاره بهای دوره تصرف را بپردازد.

پرسش: همسر سابقم بابت مهریه، دو سال پیش منزل مسکونی مرا توقیف کرد. به دادگاه مراجعه کردم و آن را جزو مستثنیات دین تعیین کرد و از توقیف آزاد شد. طبق رای دادگاه قرار شد هر سه ماه، یک سکه به عنوان مهریه همسر سابقم پرداخت کنم. اما او دوباره از طریق شعبه دیگری منزل مسکونی مرا بابت مهریه توقیف کرده است. چه کار باید کنم؟

پاسخ: شما می توانید به شعبه مربوطه مراجعه و با استناد به ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی نسبت به توقیف منزل مسکونی خود اعتراض کنید. هریک از قضات به هر پرونده به طور مستقل رسیدگی و با برداشت قضایی خود از موضوع و قوانین حاکم بر آن، تصمیم گیری می کند. به عبارت دیگر، شعب دادگاه ها ملزم به اتخاذ تصمیم های مشابه در پرونده های مختلف نیستند. لیکن می توانید ضمن اعتراض خود، به رأی شعبه قبلی نیز اشاره کنید. ماده ۲۴ بیان می کند: «مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است: الف- منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم علیه در حالت اعسار او باشد، ب- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است، ج- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود، د- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها، هـ- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران، کشاورزان و سایر اشخاصی که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است، و- تلفن مورد نیاز مدیون، ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می شود مشروط بر این که پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.»

یادداشت حقوقی

قانونی که در ۲۵ سالگی پیر دیده می شود!

نوائیان رودسری- در قسمت قبل اشاره کردیم که می توان مواردی را که قانون کار نیازمند بازنگری است، در سه بخش طبقه بندی کرد: نخست، زمانی که مورد یا مواردی در قانون پیش بینی نشده باشد. دوم، هنگامی که قانون دارای ابهام باشد و این موارد مبهم، دستمایه ارائه تفسیرهای مختلف از قانون و بن بست در اجرا شود و سوم، زمانی که یک قانون، با قوانین هم عرض خود تداخل داشته باشد یا قوانین جدید، برخی مواد قانون قبلی را به صورت غیر مستقیم، تخصیص بزند، آن را از اعتبار بیندازد یا محدود کند. همچنین اشاره کردیم که در مورد نخست، یعنی زمانی که موردی در قانون پیش بینی نشده باشد، مانند موضوع قراردادهای دائمی در مشاغلی که جنبه مستمر دارد، قانون نیازمند بازنگری است و در مورد دوم، می توان با استفسار از مجلس شورای اسلامی، نسبت به رفع ابهام، اقدام کرد. به عنوان نمونه، موضوع مبنای تعیین حداقل دستمزد، یکی از مهم ترین موارد ابهام در قانون کار محسوب می شود. بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار، باید همه ساله، حداقل دستمزد کارگران را با توجه به دو عامل تعیین کند. این دو عامل عبارتند از: «۱- ... درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود» و «۲- [حداقل دستمزد]... باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.» با این حال، مبنای اصلی شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سالانه، معمولاً شامل عامل دوم نمی شود و دلیل این مسئله، ابهامی است که در عبارت «مراجع رسمی» وجود دارد. برخی از کارفرمایان معتقدند مرجع رسمی در این بند از ماده ۴۱ قانون کار، تعیین نشده است و به همین دلیل نمی توان از آن به عنوان عاملی برای تعیین حداقل دستمزد استفاده کرد و بنابراین، این بند از قانون کار، نیازمند اصلاح است. شگفت این جاست که برای رفع این ابهام، راه ساده تر، یعنی رفع ابهام از طریق استفسار از مجلس کنار گذاشته شده است و راه پیچیده تر، یعنی اصلاح قانون، پیشنهاد می شود. مصداق دیگری که می توان از آن به عنوان ابهام در قانون کار یاد کرد، بحث مرخصی سالانه کارگران است. بر اساس ماده ۶۴ قانون کار، «مرخصی استحقاقی سالانه کارگران، با استفاده از مزد و احتساب چهار روز جمعه، جمعاً یک ماه است. سایر روزهای تعطیل جزو ایام مرخصی محسوب نخواهد شد.» بسیاری از کارفرمایان، با توجه به عبارت «احتساب چهار روز جمعه»، مرخصی سالانه کارگران را ۲۶ روز کاری در نظر می گیرند. حال آن که به نظر می رسد، موضوع احتساب ۴ روز جمعه زمانی مصداق پیدا می کند که کارگر یک ماه پی در پی مرخصی گرفته یا در بین مرخصی های روزانه وی، روز جمعه وجود داشته باشد. این مسئله را می توان از جمله بعدی این ماده قانونی که به عدم محاسبه سایر ایام تعطیل در مرخصی سالانه اشاره می کند، دریافت. با این وجود، رفع ابهام از این ماده قانونی نیز نیازمند استفسار یا اصلاح قانونی است.

جناب آقای مهدی نخعی
انتصاب شایسته جنابعالی را به
مدیریت بهزیستی طرقبه و شاندیز
تبریک عرض نموده و از خدمات بی نظیر و صادقانه شما در طول ۶ سال مدیریت بهزیستی شهرستان مشهد تقدیر می نمائیم.
جمعی از همکاران بهزیستی شهرستان مشهد مقدس
۹۴۳۹۳۴۷۲/ف

جناب آقای دکتر حلاج مقدم
ارتقاء علمی جنابعالی را به
مقام شامخ استادی
دانشگاه علوم پزشکی مشهد
تبریک عرض می نمائیم. ۹۴۴۳۹۳۲۸۳/م
خانواده دکتر امین ا... ابراهیمی